

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنا به نقل مفسرین و مورّخین (مانند ابن عساکر، از علمای بزرگ اهل سنت در کتاب تاریخ دمشق جلد ۴۲، صفحه ۳۶۴) آیات زیادی (بیش از سیصد آیه) در باره ولایت علی علیه السلام و فضائل آن حضرت در قرآن کریم آمده است که نقل همه آنها از عهده این مقاله خارج است، لذا ما در اینجا فقط به چند مورد اشاره ای کوتاه می نمائیم.

۱- آیه ولایت

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ (سوره مائده - آیه ۵۵)

«سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنهایی که ایمان آورده اند، همانها که نماز را برپا می دارند، و در حال رکوع، زکات می دهند» امام باقر علیه السلام فرمودند: طایفه ای از یهودیان مسلمان شدند از آن جمله عبد الله بن سلام، اسد، ثعلبه، ابن یامین و ابن صوری بودند که همگی خدمت رسول خدا (ص) عرض کردند یا نبی الله حضرت موسی وصیت کرد به یوشع بن نون و او را جانشین خود قرار داد، وصی شما کیست یا رسول الله؟ و بعد از تو ولی و سرپرست ما کیست؟

در پاسخ این سؤال این آیه نازل شد: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» آن گاه رسول خدا فرمود برخیزید، همه برخاسته و به مسجد آمدند، مردی فقیر و سائل داشت از مسجد به طرف آن جناب می آمد، حضرت فرمود: ای مرد آیا کسی به تو چیزی داده؟ عرض کرد: آری، این انگشتر را یک نفر همین اکنون به من داد، حضرت پرسید چه کسی؟ عرض کرد آن مردی که مشغول نماز است، و اشاره به علی بن ابی طالب علیه السلام کرد، پرسید در چه حالی بتو داد؟ عرض کرد در حال رکوع، حضرت تکبیر گفت. اهل مسجد همه تکبیر گفتند، حضرت رو به آن مردم کرد و فرمود: پس از من علی (ع) ولی شماست، آنان نیز گفتند ما به خداوندی خدای تعالی و به نبوت محمد (ص) و ولایت علی (ع) راضی و خشنودیم. (تفسیر المیزان، ج ۶، ص ۲۲)

۲- آیه اولیای امر

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (سوره نساء - آیه ۵۹)

«ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید»

جابر بن عبد الله انصاری می گوید: وقتی خداوند آیه (یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم) بر پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله نازل کرد، من به او عرض کردم: «یا رسول الله ما خدا و رسولش را شناختیم، اما «اولی الامر» که خداوند اطاعت و پیروی آنان را دوشادوش اطاعت تو قرار داده است، چه کسانی اند؟»

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «ای جابر! آنان جانشینان من و امامان مسلمانان بعد از من هستند، که اول ایشان علی بن ابی طالب است و بعد از او به ترتیب حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی، که در تورات به باقر معروف است، و تو ای جابر! او را می بینی، در آن موقع سلام مرا به او برسان. بعد از او جعفر بن محمد صادق و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی می باشند و بعد از او امام هم نام و هم کنیه من، حجت خدا بر روی زمینش و آخرین نشانه پروردگار در میان بندگانش، پسر حسن بن علی است.»

(کمال الدین، ج ۱، باب ۲۳، ص ۲۵۳ - تفسیر البرهان ج ۲ ص ۱۰۳ - تفسیر الصافی ج ۱ ص ۴۶۴)

۳- آیه تبلیغ

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ﴾ (سوره مائده- آیه ۶۷)

«ای پیغمبر، آنچه از خدا بر تو نازل شد (به خلق) برسان که اگر نرسانی تبلیغ رسالت و اداء وظیفه نکرده‌ای»

فخر رازی، مفسر معروف اهل سنت درباره شأن نزول این آیه در «تفسیر الرازی، ج ۱۲، ص ۴۹، ۵۰» می‌نویسد:

«نزلت الآیة فی فضل علی بن ابی طالب علیه السلام، ولما نزلت هذه الآیة أخذ بیده وقال: من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه، فلقيه عمر فقال: هنيئا لك يا ابن طالب أصبحت مولای ومولى كل مؤمن ومؤمنة؛

این آیه در برتری و شأن علی (ع) نازل شده است زیرا پس از نزول آن، پیامبر (ص) دست علی (ع) را گرفت و فرمود: هر کس من رهبر او هستم، علی (ع) رهبر اوست خدایا دوستدارش را دوست بدار و دشمنش را دشمن دار، عمر به دیدار علی (ع) شتافت و گفت: مبارک باشد بر تو ای علی تو از این لحظه مولی و فرمانده من و تمام مردان و زنان مومن هستی».

۴- آیه اکمال دین

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (سوره مائده- آیه ۳)

«امروز، دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم»

یعقوبی تاریخ نویس معروف اهل سنت در کتاب «تاریخ الیعقوبی ج ۲، ص ۴۳» می‌نویسد:

«و گفته شده است که آخرین آیه ای که بر رسول خدا (ص) نازل شده است همین آیه ۳ سوره مائده بوده است و این همان روایت صحیح است، و نزول آن در مورد امیر مومنان علی بن ابی طالب (ع) بوده است در غدیر خم»

۵- آیه تطهیر

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (سوره احزاب - آیه ۳۳)

«جز این نیست که خداوند می‌خواهد از شما اهل بیت هر گونه پلیدی را بزداید و شما را کاملاً پاک سازد»

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده این آیه در مورد رسول خدا و علی بن ابیطالب و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است و شأن نزول آن این است که رسول خدا (ص) در خانه ام سلمه بر سر آنها عبايي انداخت و عرض کرد: «خدایا اینها اهل بیت من اند. خدایا رجس و پلیدی را از آنها برطرف کن» سپس این آیه نازل شد. ام سلمه (همسر پیامبر) عرض کرد: «آیا من هم با آنها هستم؟» پیامبر فرمود: «تو زن خوبی هستی، و از زنان صالح من هستی. ولی از اهل بیت نیستی» (بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۲۰۶)

امیرالمؤمنین (ع)، در زمان خلافت عثمان در میان گروهی از مهاجر و انصار در مسجد پیامبر، (ص)، گرد آمده بودند. سخنرانی فرمود، در خلال سخنان خود، اشاره به آیه تطهیر نمود و چنین فرمود: «... ام سلمه هم می‌خواست که مورد شمول این آیه باشد و در زمره اهل بیت قرار گیرد، اما پیامبر (ص) فرمود: نه، تو عاقبت به خیر هستی، اما، این آیه فقط در حق من و برادرم علی، دخترم فاطمه و دو فرزندم، حسن و حسین که درود بی پایان پروردگار بر آنان باد، و همچنین درباره نه نفر از فرزندان پسر من حسین (ع) نازل شده است.»

(کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۶۴۶)

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلِ

لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكٰذِبِينَ﴾ (سوره آل عمران - آیه ۶۱)

«پس هر که با تو درباره او [عیسی] پس از آنکه بر تو [به واسطه وحی، نسبت به احوال وی] علم و آگاهی آمد، مجادله و ستیز کند، بگو: بیایید ما پسرانمان را و شما پسرانمان را، و ما زنانمان را و شما زنانمان را، و ما نفوسمان را و شما نفوستان را دعوت کنیم سپس یکدیگر را نفرین نماییم، پس لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم»

در تفاسیر شیعه و سنی و برخی کتب حدیث و تاریخ می‌خوانیم که در سال دهم هجری، افرادی از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله مأمور تبلیغ اسلام در منطقه نجران از بلاد یمن شدند. مسیحیان نجران نیز هیئتی را به نمایندگی از سوی خود برای گفتگو با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به مدینه روانه داشتند. با وجود گفتگوهایی که میان آنان و پیامبر صلی الله علیه و آله رد و بدل شد، باز هم آنان بهانه‌جویی کرده و در حقانیت اسلام ابراز تردید می‌کردند. این آیه نازل شد و خطاب به پیامبر فرمود: به کسانی که با تو محاجّه و جدال کرده، و از قبول حقّ شانه خالی می‌کنند، بگو: بیایید با فراخواندن فرزندان و زنان و خودمان، خدا را بخوانیم و با حالت تضرّع و ابتهال بر دروغگویان نفرین کنیم و هر نفرینی که دامن گروه مقابل را گرفت، معلوم می‌شود که راه او باطل است و با این وسیله به این گفتگو و جدال پایان دهیم. هنگامی که نمایندگان مسیحیان نجران، پیشنهاد مباحله را از رسول اکرم صلی الله علیه و آله شنیدند، به یکدیگر نگاه کرده و متحیر ماندند. آنان مهلت خواستند تا در این باره فکر و اندیشه و مشورت کنند. بزرگ نصاری به آنها گفت: شما پیشنهاد را بپذیرید و اگر دیدید که پیامبر با سر و صدا و جمعیتی انبوه برای نفرین می‌آید، نگران نباشید و بدانید که خبری نیست، ولی اگر با افراد معدودی به میدان آمد، از انجام مباحله صرف نظر و با او مصالحه کنید.

روز مباحله، آنها دیدند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همراه با دو کودک و یک جوان و یک زن بیرون آمدند. آن دو کودک، حسن و حسین علیهما السلام و آن جوان، علی بن ابی طالب علیهما السلام و آن زن فاطمه‌ی زهرا علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله بودند. اسقف مسیحیان گفت: من چهره‌هایی را می‌بینم که اگر از خداوند بخواهند کوه از جا کنده شود، کنده می‌شود. اگر این افراد نفرین کنند، یک نفر مسیحی روی زمین باقی نمی‌ماند. لذا از مباحله اعلام انصراف کرده و حاضر به مصالحه شدند.

گرچه پیامبر می‌توانست خود شخصاً نفرین کند و کاری به علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام نداشته باشد، ولی خدا و رسول، با این عمل به ما فهماندند که این افراد، یاران و شریکان رسول خدا در دعوت به حقّ و هدف او هستند و همراه او آماده‌ی استقبال از خطر بوده و تداوم‌گر حرکت او می‌باشند. همچنین از کلمه «أَنْفُسَنَا» در آیه فهمیده می‌شود که علی بن ابی طالب علیهما السلام، جان رسول الله صلی الله علیه و آله است. (تفسیر نور - ج ۲ - ص ۷۶)

۷- آیه مودت

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾ (سوره شوری - آیه ۲۳)

«بگو: از شما [در برابر ابلاغ رسالتم] هیچ پاداشی جز مودت نزدیکان [یعنی اهل بیتم] را نمی‌خواهم»

وقتی آیه قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ نازل شد، گفتند: یا رسول الله خویشاوندان شما که محبت آنها بر ما واجب شد کیانند؟ فرمود علی و فاطمه و دو فرزندشان. (بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۳۲)

امام باقر(ع) در تفسیر این آیه شریفه می‌فرماید: «نزدیکان پیامبر، همان ائمه معصومین(ع) هستند» (تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۷۳)

۷- آیه علم قرآن

﴿ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ ﴾ (سوره رعد - آیه ۴۳)

«و کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند: تو فرستاده (خدا) نیستی. بگو: کافی است که خدا میان من و شما گواه باشد و نیز آن کس که علم کتاب (قرآن کریم) نزد اوست»

ابو سعید خدری گفت: از پیامبر خدا (ص) راجع به سخن خداوند: «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (آن کس که علم کتاب (قرآن کریم) نزد اوست) پرسیدم، گفت: او برادرم علی بن ابی طالب (ع) است. (سیمای امام علی علیه السلام در قرآن / ترجمه شواهد التنزیل، ص: ۱۶۹)

۸- آیه انفاق

﴿ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴾

«کسانی که اموالشان را در شب و روز و پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، برای آنان نزد پروردگارش پاداشی شایسته و مناسب است و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند» (سوره بقره - آیه ۲۷۴)

در تفاسیر صافی، مجمع البیان، قرطبی و کبیر فخر رازی آمده که این آیه در شأن حضرت علی علیه السلام نازل شده است. هنگامی که آن حضرت فقط چهار درهم ذخیره داشت، یک درهم را در روز، یک درهم را در شب، سومین آن را مخفیانه، و چهارمین درهم را آشکارا در راه خدا انفاق نمود. (تفسیر نور، ج ۱، ص: ۴۳۹)

۹- آیه فروختن جان

﴿ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ أُتْبَغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رُءُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴾ (سوره بقره - آیه ۲۰۷)

«و از مردم کسی هست که جان خود را برای خشنودی خداوند می‌فروشد (در راه خدا جانبازی می‌کند) و خدا با چنین بندگان رئوف و مهربان است»

ابن ابی الحدید که از علمای قرن هفتم اهل سنت است، در شرح نهج البلاغه خود آورده است: تمام مفسران گفته‌اند این آیه درباره علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است که در لیلۃ المبیت در بستر رسول خدا صلی الله علیه و آله خوابید. و این موضوع در حدی از تواتر است که جز کافر یا دیوانه آن را انکار نمی‌کند. (تفسیر نور، ج ۱، ص ۳۲۶)

توضیح: لیلۃ المبیت شبی است که سران قریش تصمیم گرفتند در آن شب حضرت محمد صلّ الله علیه و آله را به قتل برسانند، ولی حضرت علی علیه السلام به جای پیامبر اکرم در بستر آن حضرت خوابید و نقشه قریش به سرانجام نرسید.

۱۰- آیه بهترین مخلوقات

﴿ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ﴾ (سوره بینه - آیه ۷)

«مسلمانان کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، اینانند که بهترین مخلوقات‌اند»

ابن عباس می‌گوید: هنگامی که آیه «إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» نازل شد پیغمبر اکرم (ص) به علی (ع) فرمود: «منظور از این آیه تو و شیعیانت هستید که در روز قیامت وارد عرصه محشر می‌شوید در حالی که هم شما از خدا راضی و هم خدا از شما راضی است و دشمنان خشمگین وارد محشر می‌شود و به زور به جهنم می‌رود.» (تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۲۱۱)

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾ (سوره مریم - آیه ۹۶)

«مسئلاً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند رحمان محبتی برای آنان در دلها قرار می‌دهد»

در بسیاری از کتب اسلامی این معنی از ابن عباس نقل شده که می‌گوید: (این آیه) در باره علی بن ابی طالب ع نازل گردیده، و معنی آن این است خدا محبت او را در دلهای مؤمنان قرار می‌دهد. (تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص: ۱۴۸)

۱۲- آیه سوال از ولایت

﴿وَقَفُوهُمُ عَنْهُمْ مَسْئُولُونَ﴾ «آنها را نگهدارید که باید بازپرسی شوند!» (سوره صافات - آیه ۲۴)

پیامبر خدا صلّ الله علیه و آله فرمود: وقتی روز قیامت شود من و علی بر صراط می‌ایستیم و کسی از کنار ما عبور نمی‌کند مگر اینکه از ولایت علی از او می‌پرسیم پس هر کس با علی باشد (به بهشت می‌رود) و گرنه او را به آتش می‌اندازیم و این است معنای سخن خداوند: «وقفوهم عنهم مسئولون» (سیمای امام علی علیه السلام در قرآن / ترجمه شواهد التنزیل، ص: ۲۷۸)

۱۳- آیه درخواست عذاب

﴿سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ﴾ «تقاضاکننده‌ای تقاضای عذابی کرد که واقع شد» (سوره معارج - آیه ۱)

مرحوم علامه امینی در کتاب شریف الغدير، نام سی نفر از بزرگان مفسرین و محدثین از قرن سوم هجری تا قرن چهاردهم را نقل کرده که گفته اند: شأن نزول آیه «سأل سائل» مربوط به شخصی می باشد که به پیغمبر (ص) گفت: نصب امیرالمؤمنین به خلافت در روز غدیر از طرف خودت بود یا از طرف خدا؟ ما را به حج و روزه و زکات فرمان دادی و ما قبول کردیم، اما راضی نشدی، تا آن که پسر عموی خودت را بر ما حاکم کردی! سپس گفت: «اللهم ان کن هذا الحق من عندک فامطر علينا حجارة من السماء» (سوره انفال - آیه ۳۲) خدایا اگر این حق است از آسمان سنگی بباران (تا نابود شویم و شاهد چنین روزی نباشیم) سنگی فرود آمد و او نابود شد و این آیه نازل شد: «سأل سائل بعذاب واقع» (تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۲۱۱)

۱۴- سوره عادیات

﴿وَالْعَدِيدِ صُبْحًا ﴿۱﴾ وَالْمُورِيَةِ قَدْحًا ﴿۲﴾ فَالْغَيْرِاتِ صُبْحًا ﴿۳﴾ فَأَتَرْنَ بِهِ نَقْعًا ﴿۴﴾ فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا ﴿۵﴾﴾

«سوگند به اسبان دونده ی (مجاهدان) در حالی که نفس زنان به پیش می‌رفتند، (۱) و سوگند به افروزندگان جرقه آتش (در برخورد سم هایشان با سنگ های بیابان)، (۲) و سوگند به هجوم آوران سپیده دم (۳) که گرد و غبار به هر سو پراکندند، (۴) و (ناگهان) در میان دشمن ظاهر شدند، (۵)»

شأن نزول سوره عادیات: ... پس از این ، پیکار سلسله اتفاق افتاد و مقدمه آن این بود که مرد عربی حضور رسول خدا ص آمده در برابر او نشست و گفت آمده‌ام تا تو را پندی دهم و آن اینست که عده ای از عرب ها در وادی الرمل گرد آمده و مقرر داشته تا بر تو شبیخون بزنند و آنان را معرفی کرد.

پیغمبر (ص) دستور داد مردم را در مسجد گردآورند در میان اجتماع مردم به منبر رفته حمد و ثنای الهی را بجای آورد و فرمود دشمنان خدا و مسلمانان در نظر دارند به شما شبیخون بزنند اینک کیست برای سرکوبی آنان اقدام نماید. عده ای از اهل صفه (فقرائی که خانه

معینی نداشته و مهاجر بودند) از جا برخاسته عرضه داشتند ما برای سرکوبی آنان حاضریم هر کدام از ما را که شایسته پیکار میدانی مأموریت بده. رسول خدا (ص) قرعه زد، قرعه بنام هشتاد نفر از ایشان و از غیر ایشان اصابت کرد.

پیغمبر اکرم (ص) به ابو بکر دستور داد پرچم را بگیر به جانب بنی سلیم که نزدیک حره آماده کارند کوچ کن. وی با عده ای حرکت کرده نزدیک سرزمین آنها رسید که درختان بسیار و سنگهای زیادی داشت، بنی سلیم در بطن وادی جای گرفته و دسترسی بدانها در کمال دشواری بود ابو بکر چون خواست به طرف آنها توجه کند آنها از مخفیگاه های خود بیرون آمده مسلمانان را شکست داده و عده بسیاری از آنها را کشتند و ابو بکر با همراهیان فرار کرد.

چون حضور پیغمبر (ص) رسیدند رسول خدا (ص) عُمَر را برای سرکوبی نامبردگان نامزد نمود. او هم به مجردی که بمحل آنان رسید آنها از زیر سنگها که کمین کرده بودند بیرون آمده او را نیز شکست دادند.

رسول خدا (ص) از این پیش آمد متأثر گردید. عمرو عاص به عرض رسانید مرا برای سرکوبی آنان فرمان بده زیرا در جنگ باید حيله کرد ممکن است من بتوانم خدعه بکار برده و آنها را نابود سازم.

حضرت او را همراه با جماعتی بجانب آنان گسیل داشت و توصیه کرد که مبادا دست از پیکار بردارد. عمرو عاص بمجردی که وارد وادی شد بنی سلیم از مخفیگاه های خود بیرون آمده او را شکست داده و عده ای از اصحاب او را از پای درآوردند.

رسول خدا (ص) پس از شکست نامبرده چند روزی صبر کرده و علیه آنان دعا می فرمود سپس علی (ع) را خوانده پرچم پیروزی را بنام او بسته و فرمود او را برای سرکوبی دشمن فرستادم تا بدون فرار بر آنان بتازد و سرکوبی دهد، و دست به آسمان دراز کرد عرض کرد پروردگارا اگر میدانی رسول توام حقیقت مرا در باره او نگهداری فرما و او را از شر دشمنان نگهداری کن و به اندازه ای که شایسته بود دعا کرد.

علی (ع) به عزیمت دشمن حرکت کرد و پیغمبر (ص) هم برای بدرقه وی بیرون آمد و تا مسجد احزاب از وی بدرقه کرد.

علی (ع) آن روز بر اسب قرمز رنگ دم کوتاهی سوار بود و دو بُرد یمانی بر گستوان وی قرار داده و نیزه خطیه در دست داشت و همان عده ای که با عمر و ابو بکر و عمرو عاص آمده بودند با وی نیز همراه شدند علی (ع) از بیراهه بطرف عراق رهسپار شد به اندازه ای که همراهان خیال کردند علی (ع) آنها را بمحل دیگری هدایت می کند سپس آن حضرت وارد جاده پستی شده و آمد تا به کنار وادی رسید. علی (ع) شب حرکت می کرد و روزها در مخفیگاه آرام می گرفت و به همین ترتیب هنگامی که نزدیک وادی رسید دستور داد دهان اسبها را ببندند و آنان را در مکانی متوقف ساخت و فرمود از جای خود حرکت نکنید آنگاه خود او در برابر لشکریان به گوشه ای رفت...

هنگامی که علی (ع) احساس کرد طلوع صبح ظاهر شد و دشمنان آسوده و به خواب رفته اند به لشکر دستور داد بر آنها شبیخون زدند و خدای متعال او را بر دشمنان پیروزی داد و سوره وَ الْعَادِيَاتِ ضَبْحًا را نازل فرمود پیغمبر اکرم (ص) یاران خود را از پیروزی علی (ع) مژده داد و دستور صادر کرد تا همه به استقبال علی (ع) بیرون روند. اصحاب در دو صف و رسول خدا (ص) پیشاپیش آنها به استقبال آمدند. علی (ع) که چشمش به رسول خدا (ص) افتاد از اسب پیاده شد رسول خدا (ص) فرمود یا علی سوار شو که خدا و رسول از تو راضی اند، علی (ع) از خوشحالی گریست.

پیغمبر (ص) فرمود هر گاه خوف این معنی نبود که مردم در باره تو سخنانی که نصرانیان در باره مسیح گفتند بگویند امروز آنچنان در ستایش تو دهان می گشادم که هر گاه از کنار جمعیتی عبور کنی خاک قدم ترا به عنوان توتیا و تبرک بردارند. (الإرشاد للمفید / ترجمه ساعدی، ص ۱۴۷)

امام صادق (ع) فرمود: هر کس سوره «و العاديات» را بخواند و بر قرائت آن مداومت کند، خداوند او را در روز قیامت با امیر مؤمنان (ع) محشور خواهد ساخت و در کنار آن حضرت و از هم نشینان او خواهد بود. (ثواب الأعمال و عقاب الأعمال - ترجمه انصاری، ص ۲۴۱)

در هزار ماه حکومت بنی امیه (لااقل تا زمان عمر بن عبدالعزیز) بردن نام علی علیه السلام و ذکر فضایل او از بزرگترین جرایم بود و علمای درباری بنی امیه چون جرأت تغییر دادن متن قرآن و امکان حذف نام علی علیه السلام از قرآن کریم را نداشتند همین ترفند را (ترفند ترجمه نام علی به بلند مرتبه را) در مورد نام حضرت علی علیه السلام در قرآن انجام دادند و علی رغم تلاشهای امامان شیعه و اصحاب ایشان، غلبه رسانه‌های بنی امیه و فرهنگ سازی ای که توسط علمای درباری بنی امیه، و بعد از آن، بنی عباس، انجام شد، به گونه‌ای شد که کم کم این ترفند به عنوان تفسیر درست آیات قلمداد شد و بعدها حتی بسیاری از علمای شیعه در دام این ترفند افتادند.

در سوره شعراء، آیه ۸۴ این دعای حضرت ابراهیم را نقل می‌فرماید که:

﴿وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ (یعنی: در میان آیندگان «لسان صدق»ی [زبان حقیقت] برای من قرار بده).

خداوند در سوره مریم (آیات ۴۹-۵۰) خبر از استجابت این دعا می‌دهد و می‌فرماید:

﴿فَلَمَّا أَعْتَرَهُمْ وَمَا يَعْبدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ۗ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا وَوَهَبْنَا لَهُم مِّن رَّحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ

عَلِيًّا﴾

«پس هنگامی که از آن بت پرستان و آنچه می‌پرستیدند کناره گرفت، به او اسحاق و یعقوب را بخشیدیم و همگی را پیامبر قرار دادیم؛ و از رحمت خود به آنها بخشیدیم و برای آنها لسان صدق را علی قرار دادیم.»

این مطلب که اینجا «علی» اسم امیرالمومنین است، مطلبی است که بسیاری از علمای بزرگ شیعه از ائمه اطهار روایت کرده‌اند. مثلاً ابوبصیر از امام صادق علیه السلام (بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۵۹)، یونس بن عبدالرحمن از امام رضا علیه السلام (بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۵۷) و علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خود از امام حسن عسگری (بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۹۳) صریحاً این مطلب را نقل کرده‌اند که در اینجا فقط به بیان یونس بن عبدالرحمن بسنده می‌کنیم:

«یونس بن عبدالرحمان به امام رضا علیه السلام عرض کرد: گروهی از من اسم علی در کتاب الله عزوجل را طلب کردند؛ برای آنها این آیه را خواندم که خداوند می‌فرماید: « وَ جَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا». امام به من فرمود: «صدقت، هو کذا» (درست گفתי، این همان است)

۱۶- نام امام علی علیه السلام در قرآن (۲)

خداوند در آیات ۴ و ۵ سوره زخرف می‌فرماید:

﴿وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ أَمْضَرِبُ عَنْكُمْ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ﴾

معنای آیه این است: «قطعاً او در ام‌الکتاب [سوره حمد] نزد ما همان علی حکیم است؛ آیا اگر شما گروهی افراط‌کار هستید، [گمان می‌کنید که در نتیجه] ما از بیان بخشی از ذکر [قرآن] خودداری می‌کنیم؟»

لازم به ذکر است که «ام‌الکتاب» یکی از نامهای سوره حمد است، و در این سوره آمده است که «اهدنا الصراط المستقیم» و در مورد اینکه این صراط چیست، مطلب، از طریق «شخص» معرفی شده نه با اوصافی مانند کارهای خوب و ...؛ یعنی در بیان صراط، به گروهی اشاره شده. اکنون در این آیه می‌فرماید آن کسی که نزد ما در سوره حمد مورد نظر بوده، قطعاً علی حکیم (تعبیر علی حکیم همانند تعبیر لقمان حکیم است) است؛ و شما هم گمان نکنید که چون یک عده آدم افراطی هستید، ما از بیان چنین مطلبی در قرآن خودداری می‌کنیم.

در روایات متعددی صریحاً این آیه در توصیف و معرفی حضرت علی علیه السلام به کار رفته است (مانند روایت حماد بن عیسی از امام صادق علیه السلام که امام فرمود: صراط مستقیم در قرآن همان علی علیه السلام است و دلیل بر این مطلب همین آیه است که فرمود او صراط مستقیم) در ام‌الکتاب (سوره حمد) همان علی حکیم است. (معانی الأخبار، ص ۳۳)